

ارتباط مسجد و مدرسه

غلامرضا زرین چیان

مسجد کجاست: مساجد اولیه مسلمین

قطعه زمینی وسیع و مربع شکل بود که اطراف آن را چهار دیوار یا خندق احاطه می‌کرد و دارای مأذنه نبود. اما اکنون اغلب مساجد دارای قسمتی است میانی بنام صحن که گاهی نیز مسقف است و در اطراف آن چهار رواق دارد که وسیعترین آن رواق قبله است که محراب نیز در آنجا قرار دارد.

نخستین مسجد را حضرت محمد ﷺ در مدینه (یثرب) و در کنار خانه خود ساخت. زمین آن خوابگاه شتران بود و پیغمبر آن را از صاحبش خرید. سپس خلفا و حاکمان و پادشاهان بر وسعت آن افزودند و در تزئین آن کوشیدند. در فاصله قرن اول و دوم هجری در عهد امویان با همکاری معماران بیزانس شیوه معماری یونانی در ساختمان مساجد بکار رفت اما مسلمانان در آن تغییراتی دادند چنانکه

بمروار زمان برخی از کلیساها به مسجد تبدیل شد یعنی جهت بنا را از مشرق به سوی مکه تغییر دادند.

در پاره‌های مساجد سنت معماری ایرانی عصر ساسانی نیز ملحوظ گشته است در این نوع مساجد بخش اصلی را شبستان تشکیل می‌دهد که قبه‌ای بر آن قرار گرفته است. این قبه یا گنبد به صورت مخروطی، مدور که بعدها شلجمی شکل یا به شکل خربزه قاچ قاچ با سردری مسطیل شکل درآمد.

نقاشی مذهبی و تصویر ائمه در اسلام مجاز نیست. تصویر انسان و بطور اعم موجودات زنده را اسلام بت پرستی می‌داند از این رو هیچگونه تصویری در مساجد دیده نمی‌شود. در عوض تزئین دیوارها و ایوانها و منبرها و محرابها به حد زیاد معمول است که عبارتند از اشکال مطرز گیاهها و صور هندسی و کوبی شکل با نوشته‌های زیبا و پر نقش و نگار عربی آیات قرآن به خط کوفی، نسخ، ثلث و غیره، بتدریج از قرن ششم و بویژه در قرن هشتم تزئین دیوارها، ایوانها، گنبدها و رواقها بوسیله روپوشی از کاشی و موزائیک آراسته شد. محرابها و منبرها نیز با کنده کاری از چوب و گچ و مرمر مزین گردید. نام برخی از مساجد مهم عبارتست از: مسجد الاقصی، مسجدالحرام، مسجد قبا، مسجدالنبی، مسجد ایاصوفیا و مسجد گوهرشاد.

○ اندیشه آموزش در اسلام
برای دعوت و رساندن پیام بر
امور دیگر مقدم شده است.

مسجد جایگاه اصلی آموزش و

پرورش در اسلام

مسلمانان در آغاز اسلام نیاز فوری به داشتن جایی که دین خود را پیاده کنند، احساس می‌کردند و دریافتند که خانه‌های تنگ و کوچک آنان در خور گردآمدن چنین کاری نیست. کعبه را خانه خدا می‌دانستند و مراسم حج را در آن به جای می‌آوردند لذا کعبه نمی‌توانست مطلق نظر قرار گیرد از اینرو پیامبر اسلام در مهاجرت خود به مدینه سنگ‌بنای مسجد قبا را نهاد.

آموزش به ساده‌ترین صورت عبارت است از هماهنگ کردن انسان با ضروریات زندگی و نیازمندیهای محیط خود و چون آیین مقدس اسلام در جامعه اسلامی به عنوان نظامی جهت دهنده به تمامی مظاهر زندگی به حساب آمده، توجه به معارف اسلامی و دریافت تعلیمات آن نیز برای کلیه مؤمنین ضروری است. از اینجاست که اندیشه آموزش در اسلام برای دعوت و رساندن پیام بر امور دیگر مقدم شده است. بنابراین آغاز آموزش در اسلام همراهست با وعظ و ارشاد مسائل دینی و تذکراهای روحی و چندان نپایید که مسجد به منزله جایگاه اصلی آموزش و پرورش مسلمانان درآمد و پیامبر اسلام نخستین فردی بود که عرب را برای کسب دانش گرد خود فراهم آورد. و اعراب بی‌سوادی که قرآن کریم از آنان با تعبیر آمین یاد کرده انوار تابناک اسلام بر آنان پرتو افکند و بتدریج خواندن و نوشتن را فرا گرفتند.

مسجد تا پایان سده اول هجری به منزله مکانی برای وعظ و ارشاد و ادای فرائض دینی چون نماز و رسیدگی به نیازمندیها و حل و فصل امور قضایی



مسالمین به هنگام بروز مشکلات و معضلات روزمره اعراب باقی ماند، تا اینکه در آغاز قرن دوم هجری تحولی تازه در حیات مسجد پدیدار گشت. این تحول متضمن کوشش و گسترشی بود که در زمینه امور علمی، تحقیقاتی و آموزشی در آن به وجود آمد.^۱

مکتب: یکی از تحولات یاد شده مکتب بود. «برای تعلیم الفبا و کلام الله» در تعدادی از مساجد مکتب برپا می شد. بعضی از مکاتب در خانه مکتب‌دار و برخی در دکانها تشکیل می شد. و وقتی شروع به تأسیس مدرسه می کردند، معمولاً در بنای مدرسه، محلی نیز به مکتب تخصیص می دادند تا داوطلبان را برای ورود به مدرسه آماده سازند.

مکتب را گاهی کتاب (به ضم کاف و تشدید تاء) و مکتب‌دار را ادیب و معلم و مؤدب خوانده‌اند.

شرط ورود به مکتب فقط این بود که کودک از عهده شست و شو و طهارت خود برآید. بنابراین معمولاً از ۵ تا ۶ سالگی طفل را به مکتب می گذاشتند. دوره تحصیل معین و مشخص نبود. هرکس به تناسب توانایی مالی و استعداد ذاتی طفل، فرزند خود را به مکتب می فرستاد. ولی قاعدتاً از سن بلوغ، یعنی حدود پانزده سالگی تجاوز نمی کرد. به معلم مکتبی که در مسجد یا در مدرسه تشکیل می شد معمولاً از عایدات اوقاف حقوق داده می شد و مستمندان و یتیمان در آنها رایگان تحصیل می کردند... بعضی از اطفال را گاهی معلم به کارهای خصوصی خویش می گماشت.^۲

مدرسه: مدرسه از تحولات دیگر مساجد است اما باید گفت در گذشته مسجد و مدرسه گاه به جای هم مورد استفاده قرار گرفته‌اند و حتی اگر بخواهیم از مدارس کهن کشورهای اسلامی آغاز سخن کنیم باید مساجد را مورد توجه قرار دهیم و بعد از آن هم که ساختن مدرسه برای تعلیم علوم شرعی معمول شد معماری مخصوص مساجد در آنها مؤثر واقع گردید. حتی باید در نظر داشت که پس از ایجاد و توسعه مدارس، مساجد نیز جنبه تربیتی و تعلیمی خود را حفظ کرد. مثلاً در قرن هشتم یعنی دوره‌هایی که سه چهار قرن از ایجاد مدارس کامل با کتابخانه‌ها و حجرات و سازمان مخصوص می گذشت، «ابن بطوطه» جهانگرد مشهور وقتی به شیراز رسید در جامع این شهر در درس حدیث حاضر شد و پیش از آنکه به شیراز برسد در جامع بغداد در حلقه تدریس حدیث حضور یافته بود

○ پس از ایجاد و توسعه مدارس، مساجد نیز جنبه تربیتی و تعلیمی خود را حفظ کرد.

این جدایی مکتب از مسجد بنظر برخی از محققان نظیر الشیرازی در «نهایت‌الرتبه فی طلب الحسبه» ص ۱۰۳ و القزازی در «معالیم القریه» ص ۱۷۰ به فرمان رسول اکرم راجع است: «آموزش کودکان در مسجد روا نیست، چرا که پیامبر اسلام - بر او درود باد - فرمان داد تا مسجدها را از کودکان و دیوانگان دور نگهداریم، زیرا به در و دیوار مسجد بالا می روند و پروایی از ناپاکیها (نجاست) ندارند پس برای آموختن آنان دکانهایی در کوچه‌ها و کناره بازارها گرفته می شود»^۱





مسجد از عصر پیامبر ﷺ به منزله یک مرکز اصلی تعلیم و تربیت بود اما این امر مانع از آن نمی شد که آن حضرت در جاهای دیگر نیز به تعلیم بپردازد.

الملك طوسی به سال ۴۵۷ هجری بی‌ریزی شد. و خواجه در آن از وجود بزرگترین استادان فقه شافعی عصر نظیر شیخ ابواسحاق شیرازی، ابونصر بن سیاغ، و ابوالمعالی جوینی ملقب به امام الحرمین جهت تدریس بهره‌گیری کرد.

مستشرق انگلیسی لسترنج (Lesterang) معتقد است نظامیه بغداد تا نیمه‌های قرن چهاردهم میلادی باقی و پایرجا بوده «بغداد فی عهد الخلافة العباسیه - ترجمه عربی ۲۵۵» و اکنون آثار و نشانه‌های این مدرسه بکلی محو گردیده است. این مدرسه در یورش مغولان (۶۵۶ هق) مانند دیگر مکانهای علمی و مذهبی آسیب فراوان دید و تمام اثاثیه و کتابهای آن به غارت رفت.^۶ چنانکه اشاره شد جدایی مدرسه از مسجد تا حدودی مبهم و تاریک است اما محققان فرقه‌های بین مدرسه و مسجد قائل شده‌اند که از آنجمله بخشهای مسکونی (خوابگاهها) بودند که در بیشتر مدارس وجود داشتند. دیگر محدود بودن شاگردان در مدرسه بود و سرانجام این که مسجدها به روی همگان باز بودند و هر فرد در حلقه درس هر استادی که ترجیح می‌داد، می‌توانست حاضر شود برای مدارس استادی معین تعیین می‌گردید. اما اختلاف مبهم میان مدرسه و مسجد در ساختمان این دو است و آن بیشتر به جهت اهدافی بود که در تاسیس هر یک در نظر گرفته می‌شد.

امروزه با تعبیر وسیعتری از پایین‌ترین تا بالاترین سطوح تحصیل را نیز مدرسه می‌گویند مانند مدرسه ابتدایی، مدرسه متوسطه، مدرسه عالی.

بقیه در صفحه ۹۶

به هر حال با آن که مسجد از عصر پیامبر ﷺ بمنزله یک مرکز اصلی تعلیم و تربیت بود اما این امر مانع از آن نمی‌شد که آن حضرت در جاهای دیگر نیز به تعلیم بپردازد و عقیده داشتند که در زمینه تعلیم و تربیت تنها به مسجد نمی‌توان بسنده کرد ... اما اطلاعی دقیق در دست نیست که مکانهای بوجود آمده جهت تعلیم و تربیت با عنوان «مدرسه» خوانده میشده یا نه و ظاهراً لفظ مدرسه از اواخر قرن چهارم کما بیش در کتب و متون ادبی مشاهده شده که از آن جمله می‌توان به این بیت از دعل بن علی خزاعی (م. ۲۳۹ هق) در قطعه‌ای در رثای شهدای اهل البیت اشاره کرد:

مدارس آیات خلت من تلاوة

و منزل وحی مقفر العرصات
دیگر ابومنصور ثعالبی (م. ۴۲۹ هق) است که در «فقه اللغة» خود گوید: الدروس مکان درس الکتب اما از کلمه مدرسه با تاء سخن نگفته است از شهرهایی که در ایجاد مدرسه در گذشته شهرتی داشته است شهر نیشابور را باید ذکر کرد. ابن سبکی این موضوع را مورد توجه قرار داده و گفته است: نیشابور از مهمترین و بزرگترین شهرهای اسلامی و پس از بغداد در بین همه شهرهای بزرگ اسلامی بی‌مانند بوده است «طبقات السامیه، ج ۱، ص ۱۷۳» نخستین و کهن‌ترین مدرسه در عراق نیز مدرسه نظامیه بغداد است که توسط خواجه نظام

(رحله ابن بطوطه، مصر ۱۹۲۸ میلادی، ج ۱، ص ۱۳۶ و ۱۴۲) و حال آنکه در آن ایام در بغداد چندین مدرسه بزرگ وجود داشت. بهمین جهت مدرسه را گاه مسجد و یا بالعکس مسجد را گاه مدرسه نیز می‌نامیدند و این اشتراک اسامی و خلط آنها با یکدیگر در تمامی اعصار اسلامی معمول بود، و حتی گاه مقابر و زوایا یعنی عبادتگاههای زهاد یا صوفیه و خانقاهها و رباطها نیز برای استفاده از آموزش و پرورش به کار می‌رفتند و علاوه بر این چنانکه گفته‌ایم بیمارستانها و دارالشفاهای یا «بیت الادویه»ها هم عادهً برای تعلیم پزشکی و داروسازی، و رصدخانه‌ها برای تعلیم ریاضیات و نجوم مورد استفاده قرار می‌گرفتند. پس ملاحظه می‌شود که مدرسه در تمدن اسلامی مفهوم کلی و عامی دارد که قابل انطباق بر اجزاء مختلف و گوناگون است و در عین حال از سده‌های چهار و پنجم به بعد مدارس خاص کاملی نیز به وجود آمد که ضمناً عاری از جنبه دینی هم نبود.^۵

در آن انجام می‌شد. به نظر می‌رسد سبب این نام‌گذاری از دارالعلم اسکندریه باشد که توسط بطلمیوسیان در آن شهر دائر گردید. این قفطی در تاریخ الحکما (ص ۱۷) از این دارالعلمها به روشنی یاد می‌کند و می‌نویسد: اسکندرانی‌ها کسانی بودند که به تاسیس دارالعلم و تشکیل مجالس درس در زمینه علوم پزشکی ثدر شهر اسکندریه همت گماشتند. این گروه از دانشمندان آثار جالینوس را مطالعه کرده و آن را به شکلی که امروز در دست داریم و می‌خوانیم مرتب کردند و در زمینه تفسیر مطالب و تلخیص الفاظ و توضیح معانی مشکل این آثار کتابها نوشتند تا عبارات برای خوانندگان ساده و زود فهم گردد. بنابه روایت اسحاق بن حنین: استفان اسکندرانی، جالینوس، انکلاؤس و مارینوس نخستین طبقه از رجال علمی دارالعلم اسکندریه را تشکیل می‌دادند. این چهار نفر از جمله پزشکان مهم و معتبر این دارالعلم و نیز همان کسانی بودند که برای آثار جالینوس و مطالب مشکل آن به تفسیرها و مجموعه‌ها پرداختند.



- ۱- اسلام در ایران، ص ۱۷
- ۲- تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ص ۵۳-۵۲
- ۳- سیر فرهنگ، ص ۱۳
- ۴- تاریخ آموزش در اسلام، ص ۳۹
- ۵- آموزش و دانش در ایران، ص ۶
- ۶- تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی ص ۱۲۶ - ۱۰۰
- ۷- تاریخ آموزش در اسلام، ص ۱۵۲

بیت الحکمه: بنابر نظر محققان بیت الحکمه توسط هارون الرشید و مأمون پی‌ریزی شد و آن مجمع علمی بزرگی بود با کتابخانه‌ای معظم به درخواست مأمون، فرمانگزار سیسیلی مجموعه‌ای از کتابهای یونانی را که در جایی معین و دور از دسترس محافظت می‌شد برای وی ارسال داشت. و مأمون سهل بن هارون را کتابدار بیت الحکمه نمود. نیز نقل کرده‌اند مأمون پس از پیروز شدن بر امپراطوری بیزانس به هنگام آتش بس نامه‌ای به امپراتور روم نگاشت و از او خواست تا بهترین کتابهای کهن یونانی را برایش بفرستد و بدین منظور افرادی نظیر ابن بطریق و حجاج مطر را بدانجا گسیل کرد و اینان بهترین کتابها را آورده و به تازی برگرداندند (نیز رجوع شود به تاریخ الحکماء قفطی، ص ۵۱).

عالمان بزرگی همچون علان شعوبی و ابوسهل فضل نوبختی از کاتبان و مترجمان این مرکز در عصر هارون و مأمون بوده‌اند. تاسیس بیت الحکمه عباسی در گسترش فکر و احیاء کتابخانه در جهان اسلام تأثیر فراوانی داشت و از آن پس بزرگان و خلفا به تاسیس کتابخانه‌های عمومی و خصوصی همت گماشتند.

بیت الحکمه دارای ساختمان ویژه‌ای بود که در کاخ هارون قرار داشت و تا زمان استیلای قوم مغول بر بغداد و سقوط این شهر (۶۵۶ هـ. ق) همچنان بر قرار بوده است (تاریخ اسلام: حسن ابراهیم حسن، ج ۳، ص ۲۵۹)

دارالعلم: درالعلم پدیده دیگری از تحولات مسجد است که در امتداد و بدنبال ایجاد بیت الحکمه‌ها تاسیس شد و اساس تشکیل آن نخست مبتنی بر کتابخانه‌هایی بود که برخی از کنفرانسهای علمی و ادبی